

# مقابله با ویروس کرونا: آنچه در لنگرود بعنوان یک تجربه دیده شد و به بار نشست! مردم متشکل همه چیز؛ مردم متفرق هیچ چیز!

امیر جواهری لنگرودی

سنت ایجاد "کمیته‌های محلات" در مقاطع گوناگون و مشارکت دادن و خود یاری در مردم لنگرود همواره وجود داشته است. که بازپرداختن به یکایک آن تجربه‌ها را که جوانان هر محل نقش تعیین کننده و بسزایی در آن داشته و دارند به وقت دیگری وا می‌گذاریم.



اینبار شیوع بیماری کرونا و پخشش در شهر به دلیل بی توجهی حاکمان و مسئولین بی کفایت شهری، چنان وسعتی به خود گرفت که بار دیگر جوانان با تجربه شهر لنگرود آستین بالا زدند و همگام شدند تا اندکی فشارهای وارده بر کادر زحمتکش درمانی «بیمارستان امینی» یگانه بیمارستان شهر را کاسته و به آنان یاری رسانند. این بیمارستان تا حال ۱۲۰ نفر را در خود جای داده است.

مانند دفعات پیشین، جرقه این همیاری را "کافه لنگرودی" ها زد. دوستان هم عهد این کافه برآن بودند و طی یادداشتی اهالی پست فیس بوکی کافه و روابط پیرامونی‌شان را مخاطب قرار دادند و نوشتند: «امید به سلامت بودن تک تک دوستان در این روزهای سخت و جانکاه؛ تنها امید باقی مانده همفکری و یاری رساندن به همدیگر است. تصور عمق فاجعه برای همه ممکن است قابل درک نباشد چون در میدان فاجعه قرار ندارید، ولی ما که از نزدیک شاهد بسیاری از مشکلات و نارسایی‌ها و آن‌هم بر اثر ناکارآمدی‌ها و تبلیغات بیهوده که هم در اثر تحریر نصیب ملت شده بسادگی از بین رفتنی نیست. اکنون در حال اقداماتی هستیم که باید زودتر انجام می‌گرفت ولی هنوز هم دیر نیست، ماهی را هر وقت از آب بگیرید تازه است ما خود باید پیشگام

حل مشکلات ایجاد شده باشیم. پس همگام شویم تا اندکی از فشارهای وارده بر گروه درمانی زحمتکش بکاهیم؛ همراهی و همیاری و هر نوع کمک شما می‌تواند اندکی از رنج‌های حاصل جامعه بکاهد. من کسی نیستم که توصیه کنم ولی خواهش دارم در این روزهای سخت یاور هم باشیم.»

آنگاه که آدمی چنین همت و فرزاندگی جمعی را در برابر ناکارآمدی دولت و حاکمیت سیاسی کشور و در سطح شهرستان یا بی‌عملی لاهوتی، عضو ورشکسته مجلس شورای اسلامی از لنگرود، شهردار، رئیس شورای شهر، فرماندار و معاون سیاسی امنیتی‌اش، و حتی مدیر مرکز بهداشت شهرستان می‌بیند درمی‌یابد که تنها این جوانان جسور و خوش فکر و مردم دوست شهرند که با تکیه بر خود مدیریتی و خودگردان، می‌توانند به یاری هم بشتابند و در این پویش وسیع و عظیم اجتماعی شرکت کنند.

من که از فرسنگ‌ها راه به این خویشتنداری و تحول طلبی جوانان می‌نگرم و همگامی و همیاری آنان را می‌بینم، در دل خیل خبرهای بس اسفبار، همواره مشعوف و خوشحال می‌شوم.

این جمع بر خود نام «کار گروه سفیران زندگی به بیمارستان امینی» که از مدتی پیش به یگانه محل جا به جایی بیماران کرونایی بدل شده و من تا به امروز طی یادداشت هایی چند، وضعیت آنجا را در پستم تشریح کرده ام، نهاده‌اند.



امروز در سطح شبکه‌های مجازی این خبر بازتاب یافته است: «در این میان نظام پرستاری شرق گیلان فراخوان داد بیمارستان‌ها به ماسک، لباس و تجهیزات حفاظتی نیاز فوری دارند و از مردم درخواست کمک کرد». در دل این فراخوان، جوانان هوشیار و مسئول لنگرودی با ایجاد «کارگروه همیاری» به جمع آوری پول از خود مردم شریف شهر برای خرید وسایل لازم و ضروری از قبیل: دستکش، ژل و بطری‌های آب اقدام کرده‌اند. این عمل سریع ایجاد «کارگروه سفیران زندگی به بیمارستان امینی» و کارکرد مثبت آن به دور از شحنه و شیخ، نشان داد که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های مستقل مردم و ساکنین شهری که دینفعان واقعی آنند بهره گرفت و یاری رسان مردم در این شرایط دشوار بود.

آنچه تا به امروز بازتاب یافته، نشان می‌دهد که مردم در برخی شهرها و نقاط روستایی به شکل خود جوش و با بهره‌گیری از تجربیات خود مدیریتی دوران‌های سخت را پشت سر گذاشته؛ امکانات و منابع برای تهیهٔ گان و ماسک و دستکش و...، آنهم از بازار سیاهی که دلالتان سپاه و عوامل خود ساختن آنها که در گسترش این ویرانی سهیم اند، ایجاد کرده‌اند، فراهم می‌کنند.

قابل ذکر است که در دل گزارشات محلی شهر لنگرود بسیاری از مردم معترفند که پرستاران و کارکنان بیمارستان امینی، برای دسترسی به امکانات سادهٔ اولیه مثل دستکش یکبار مصرف هم مشکلات جدی دارند.

حالا گزارش‌های بیشتر و متفاوتی، منتشر می‌شود که نشان می‌دهد شرایط افرادی در تبلیغات نهادهای امنیتی حکومت تحت عنوان «سربازان سلامت» و در خط مقدم مطرح می‌شوند هم تاریخ مصرف دارند. حکومت این سربازان را بی تفنگ رها کرده است. آیا جنگ بی اسلحه و فرستادن افراد روی مین قرار است چون دوبار تاریخ تکرار شود؟! تا حکومتیان نشان افتخار بعدی را نصیب خود نمایند.

اما فارغ از آن تبلیغات مبتذل و پوچ، آنچه اهمیت دارد گسترش «کارگروه(ها)» و «کمیته‌های محلات» در سطح شهرستان لنگرود و روستاهای اطراف آن است تا به یاری مردمی که در سنین بالا امکان بهره‌گیری از خدمات بهداشتی متمرکز در بیمارستان مرکز شهر را ندارند، بر خیزند و در سم پاشی و نظافت عمومی محلات و حتی خرید ارزاق عمومی برای آنان یاری رسان باشند.

آخرین نکته؛ دوری‌گزینی از ایجاد تفرقه، دو دستگی، رعایت کامل

بهداشت و سلامتی اعضای کارگروه‌ها، سرویس‌رسانی مسئولانه به مردم کوچه و محله، مردم نجیب و مظلومی که ممکن است از نیازشان چیزی نگویند، اما امروز سخت نیازمندند؛ نه صاحبان قدرت و ثروت و مال اندوزان و شکم‌چران‌های وابسته به حکومت و نهادهای نظامی و امنیتی.

باید اضافه کنم؛ چه حد دلگرم‌کننده است حضور این انسان‌های شریف که مهربانی و عشق را به وقت نداری با آدم تقسم می‌کنند. جامعه شهری ما باید سعادت‌مند جلوه نماید که اینگونه جوانان را در خود پرورانده است که در چنین هنگامه‌ی نا بهنگامی درب یکایک خانه‌ها را به صدا در می‌آورند و به نیازمندی‌های مردم پاسخ مثبت می‌دهند... چنین جامعه‌ای در برابر سردمداران غیر مسئولش همواره سرفراز باقی می‌ماند. درود بر آنانی که اینگونه عشق و دوستی را بر جامعه ما در برابر بیداد زمانه ارزانی می‌دارند

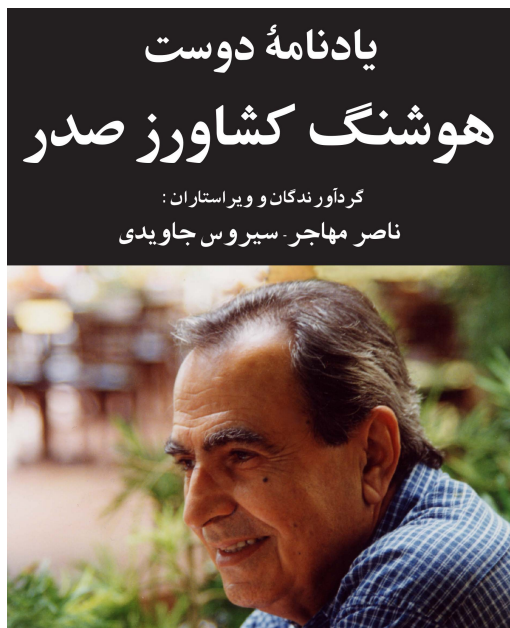
باید آوای بلند و سرفراز این «کارگروه‌ها» و «کمیته‌های محلات» را شعار راه خود قرار دهیم و با به‌دست گرفتن ابتکار عمل و خود مدیریتی، در هر شهرستان و استان دیگر کشورمان به ایجاد آن همت گماریم!

شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۸ برابر با ۰۷ مارس ۲۰۲۰

[/http://karegari.com](http://karegari.com)

---

معرفی کتاب "یادنامه دوست  
هوشنگ کشاورز صدر"



## زندگینامه چند صدایی

معرفی کتاب

«یادنامه دوست»

هوشنگ کشاورز صدر»

گردآورندگان و ویراستاران: ناصر مهاجر و سیروس جاویدی

۷۷۵ صفحه

۲۰۲۰، سوئد

رامین کامران

اشخاص کم شماری این بخت را دارند که شناختن خودشان، شناخت قدرشان را در پی بیاورد. امیر هوشنگ کشاورز صدر یکی از این کم شماران بود و راهی که دوستانش برای قدرشناسی از وی گزیده اند، همین شناساندنش به دیگران است. گفته اند که بود و چه کرد و همین کافیست. کتاب حجیم و پرمحتوا و منتظم «یادنامه دوست» که اخیراً در سوئد منتشر گشته، حاصل چشمگیر زحمت چند ساله آنهاست.



قبل از پرداختن به محتوا، جا دارد که روی پاکیزگی کم مانند کار، تأکید بکنم. حروفچینی شکیل، صفحه بندی خوش ترکیب، صحافی درجه اول، فهرست اعلام، دقت در ضبط کلمات غیر فارسی، توجه به زمانبندی،

گزینش عکسها و مهمتر از آن، معرفی تمامی کسانی که در هر عکس دیده میشوند، هرکدام در جای خود شایسته تحسین است. چنین توانایی و وسواسی که در شکل و محتوای کتاب — هر دو — دیده میشود، دستکم گرفتنی نیست.

و اما محتوای کتاب که اصل است و هم این زحمات در خدمت آن است.

کتاب کلاً از چهار قسمت اصلی تشکیل شده است. بخش اول به شرح سوانح حیات کشاورز صدر اختصاص دارد؛ دانشگاه و جنبش دانشجویی، در کشاکش انقلاب، تبعید. بخش دوم گزیده هایی از نوشته های کشاورز صدر را در بر میگیرد. بخش سوم نظرات دیگران را در بار کارهای وی در خود جا داده است. بخش چهارم تکمله ایست برای معرفی مؤسس مطالعات و تحقیقات اجتماعی و مرکز پژوهشهای ایرانی که محل تمرکز کوششهای پژوهشی کشاورز صدر در ایران و در تبعید بوده است. علاوه بر اینها، تعداد زیادی عکس سیاه و سفید و رنگی هم هست که با دقت انتخاب شده و با کیفیت خوب در کتاب آمده است.

وقتی صحبت از شناساندن کسی به دیگران باشد، یک سؤال ساده و کلاسیک مطرح میگردد: چگونه؟ پاسخ معمول هم این است: با نگارش زندگینامه اش. آقایان سیروس جاویدی و ناصر مهاجر، با تدوین این کتاب، به روش خویش به این پرسش پاسخ گفته اند. آنچه دو گردآورنده در این مجموعه جا داده اند، زندگینامه به معنای معمول نیست، چون کفش در یک چارچوب روایی واحد جا نگرفته است، گردآوری مصالحیست که معمولاً برای نگارش زندگینامه مورد استفاده قرار میگیرد. کتاب البته بخشهای روایی دارد، روایتی چندصدایی، ولی علاوه بر این، هم نظم زمانی دارد و هم مفهومی که لازم هر زندگینامه ایست.

اول از همه بگویم که گاهشمار کتاب و یادآوری بجای تاریخ وقایع، مهره بندی زمانی کتاب را تشکیل میدهد و نمیکذارد سررشت ترتیب آنها، از دست خواننده بیرون برود. گفته های خانم زریون کشاورز که روایی ترین قسمت کتاب است، بسیار ذیقیمت است، اطلاعات بسیاری به خواننده میدهد و حیات را در آن میدمد که از صرف ردگیری وقایع برنمیاید و کشاورز صدر را آنچنانکه در زندگانی خصوصی و در معرض دید گروه کوچکی بود، به ما میشناساند. ولی این تنها بخش روایی کتاب نیست. رد روایت در بسیاری از بخشهای کتاب دیده میشود.

اما نکته اینجاست که هیچ زندگینامه ای، هر قدر هم روایی باشد، روایت یکدست سوانح حیات کسی نیست. آنچه به حیات هر کس معنی میدهد

و سزاوار ثبت و ضبطش میسازد، این است که چه ها دیده و بخصوص چه ها کرده. دو خط مفهومی که زندگانی کشاورز صدر را، از سر تا به ته، شکل داده است سیاست است و علم. معنای زندگانی وی را باید در این دو حوزه جست و اصل زندگینامه<sup>۱</sup> او، باید این دو خط منطقی را که طی حیات وی در هم تنیده بود، طی بکند. نظم اصلی «یاد دوست» در اینجا واقع شده و به روشنی هم نمایان است.

در مورد شخصیت وی، همگان در استقلال رأی، مناعت طبع، گذشت، سخاوت، مداراگری، استغناء، پافشاری بر اصول، شجاعت، تن زدن از زور گفتن و زور شنیدن و بخصوص مهر به ایران و مردمش همسخن هستند. ممکن است سخنان به نظر تکراری بیاید که نیست چون هرکدام رنگ و بوی خود را دارد. به هر صورت، آنچه مهم است، درست بودن آنهاست. تا کشاورز صدر حیات هم داشت، از دور و نزدیک، جز همینها در توصیف وی نشنیده بودیم و پثرواک همان سخنان که پس از مرگش نیز دوام کرده، در اینجا ثبت شده است. طبعاً سوگ از دست دادن او، همه جا در نوشته های کسانی که وی را از نزدیک میشناخته اند، خود نشان میدهد.

در مورد کار های سیاسی، از شروع فعالیت در سازمان جوانان حزب توده و مشکلاتی که برای وی پیش آورده، فقط یادی هست. مطالب متمرکز است بر فعالیت دوران دانشجویی در خط ملی و سپس انقلاب اسلامی و بعد هم تبعید. خط سیر، چنانکه انتظار میرود، با شرح دستگیری ها و زندان رفتن ها نقطه چین شده است.

در مورد کار علمی کشاورز صدر، که متمرکز بوده است بر مردم شناسی عشایری، نمونه هایی کوتاه از آنها در کتاب آمده است و در ارزیابی همکاران و صاحب نظران، بر پیشتازی، وسواس و پشتکار به رغم برخوردار نبودن از وسایل کافی و البته حاصل ارزشمند پژوهشها تأکید شده. وی طی سالها تمامی ایران را درنوردیده و همین مایه<sup>۲</sup> استحکام هر چه بیشتر پیوندش با این آب و خاک و ساکنانش گشته است. این پژوهشها، جزئی است از بخش اول تاریخ مردمشناسی ایرانی: پایه ریزی رشته و اولین پژوهشهایی که در چارچوب آن، انجام گرفته است.

هر زندگینامه، به پرسشهایی پاسخ میگوید و پرسشهای جدیدی را مطرح میکند، یاد دوست نیز همینطور. برای خود من یک پرسش به ظاهر کوچک مطرح شد که دنباله اش مرا به راه دوری برد: چطور کسی که اینهمه خوی شهری داشته و این اندازه پابند دوستی ها و محافل روشنفکری بوده و در عین حال، زندگانی بدون سیاست برایش معنایی نداشته و

فعالیت سیاسیش هم در شهر ها و بخصوص پایتخت جریان داشته است، کانون کار پژوهشی اش را که با جان و دل به آن میپرداخته، به کلی دور از هر مرکز شهری قرار داده است؟

توجه به مردم محروم مناطق دوراftاد کشور، حتماً انگیز این کار بوده است. مردمی که به تناسب طبقات محروم شهری، بسیار کم از آنها سخن رفته است و بهبود وضعشان محور برنامه هیچ گروه و حزب سیاسی نبوده. اگر دولت برای این مردم کاری کرده که بسیار کم کرده، از آنها بیشتر در لباسهای محلی، برای نمایشهای فصلی ابراز وفاداری به حکومت استفاده کرده است. از این گذشته، فعالان سیاسی مختلف نیز کمتر به آنها پرداخته اند و این مردمی که از دیده دور بوده اند، از دل هم دور مانده اند. ولی این هم جواب نیست. مردم محروم در همه جا یافت میشوند، چرا کشاورز صدر اینها را برگزیده؟

میگویند و احتمالاً درست هم میگویند که مردم مهمترین انتخابهای زندگانی خود را در حول و حوش بیست سالگی انجام میدهند، در دورانی که حتماً از بیشترین دانش و تجربه برای این عمل برخوردار نیستند و در موقعیتی هم نیستند که بتوانند تمامی پیامدهای انتخابشان را در نظر بیاورند. کشاورز صدر هم از این حکم مستثنی به نظر نمیاید.

به تصور من، اتفاق سرنوشت ساز حیات کشاورز صدر، بریدنش از حزب توده و رفتن به طرف نهضت ملی است که بعد از بیست و هشت مرداد واقع شده است و در عنفوان جوانی. ولی تا آنجا که به نظر میاید، توجهی را که باید جلب نکرده است، احتمالاً به این دلیل که در ابتدای عمر سیاسی وی واقع گشته. از آنجا که بیشترین و شاخصترین بخش فعالیتهای سیاسی او، بعد از این برش واقع شده، به فصل اول کار چندان اهمیتی داده نشده است و فقط دالان ورودی به حساب آمده است. البته اینرا نیز باید اضافه کرد که هر چه از آن دوران دورتر بشویم، چنین کاری نه فقط مقبول تر که طبیعی تر و منطقی تر به نظر میاید و از آنجا که کلاً درست شمرده میشود، سؤالی برنمیانگیزد. من در بار انگیز آن حدسی ندارم که بزعم و اصلاً تصور میکنم که پیامدهای آن که پر دامنه است، از انگیزه اش بسیار مهمتر است.

شاید بتوان توجه به عشایر و روستائیان را تابعی از بریدن کشاورز صدر از تئوری های مارکسیستی و گفتار معمول چپگرا و بیانگر گرایشش به نهضت ملی شمرد. گویی وی با این کار، گروه محرومان خویش را برگزیده، تا بتواند خارج از گفتار عدالت طلب معمول که به آن عنایتی نداشته است، و به رغم نزدیکی و دوستیش با چهره های شاخص

جریان مارکسیستی، به ترتیبی که خود مایل بوده به کارش بپردازد. از مارکسیسم و چپگرایی رایج بریده، ولی به محرومان دلبسته مانده و خود را از راه پر ترددی که بسیار از دوستانش در آن قدم میزده اند، به کنار کشیده. طبقاً کارگر شهرنشین را به مارکسیستها واگذاشته و خود به سراغ عشایر رفته است. کماکان به محرومان پرداخته، ولی نه به عنوان طبقه، به عنوان جزئی از ملت ایران.

در حقیقت، توجه وی، از بدو فعالیت سیاسی، اساساً به طبقات محروم، معطوف مانده، ولی از قالبی به قالب دیگر رفته است. قالبی که آزادی فکر و عملش را مانع نشود و نگذارد که الگوهای پیش ساختار ایدئولوژیک، نگاهش را به واقعیت مخدوش سازد - نوعی سختگیری علمی و در عین حال، اخلاقی. وجه نظری کار تغییر کرده، ولی از بابت عاطفی، تغییری در مشی وی پیدا نشده و احتمالاً همین باعث گشته که روابط حسنه اش با چپگرایان طی تمامی عمر دوام بکند. همه از حسن خلق او میگویند و راست هم میگویند. باید مهربانش خواند، نه به معنای کسی که با دیگران ملاطفت میکند، بل کسی که ترازوی تصمیمات مهم زندگیش، مهر بوده.

این بستگی دوگانه چپی - ملی که از نظر سیاسی عجیب مینماید، بیش از آنکه به جایگزینی یکی با دیگری بیانجامد، هر دو را در عرض هم جا داده و در حیات سیاسی و علمی او تعادلی خاص خودش ایجاد کرده که بسیار بدان پابند مانده و ظاهراً هیچگاه تمایلی به برهم زدنش نداشته است. ما معمولاً عادت داریم که در زمینه سیاست، وجه فکری کار را بر وجه عاطفی آن مقدم بدانیم، وجه نظری و انتزاعی را بر وجه ملموس کار و وجه عقیدتی را بر جنبه معاشرتی اش و در نهایت تضاد را با ثبات مغایر بشمریم. به نظر میاید که در مورد کشاورز صدر، وجوه عاطفی و ملموس و معاشرتی سنگینتر از معمول بوده است و ثبات و تضاد نیز در آن همنشین گشته. شخصیتی ممتاز و استوار که به راه سختی که گزیده، میرود و بار مشکلات خویش را با بردباری بر دوش میکشد.

و اما نکته آخر. این پابندی، وی را در موقعیت خاصی قرار داده است: نوعی رعایت باید ها و بخصوص نباید های هر دو خانواده سیاسی که بدانها بسته بوده. گونه ای از پاکزستی که مقید به رعایت دو رشته قاعده است و در هر دو سختگیر - همه به این امر شهادت داده اند.

اعتبار اخلاقی وی از همین سختگیری به خود در رعایت قیود برخاسته. نوعی ریاضت که در بین گروه بسیار کثیری محبوب و محترم ساخته

است. این سختگیری ها که فقط اخلاقی نبوده و سیاسی هم بوده است، در میدان سیاست نیز برای وی اعتباری قابل توجه به همراه آورده است، اما در عوض دامنۀ عمل وی را نیز بسیار محدود کرده است. وسواسی که رد آنرا میتوان در تمامی حیات کشاورز صدر دید و شاهد بود که چگونه نگذاشته تمامی توانی را که داشت، از قوه به فعل بیاورد و بسیار بیش از آنچه که شد، منشأ اثر بشود.

به نظر میاید که مساعی وی در نگاه داشتن میانه بین ملیون و گروه های چپ و اصرار در همراه ساختن این دو، نوعی پافشاری در نگاه داشتن تعادل شخصیتی خودش بوده و یافتن ما به ازایی برونی برای آن. متأسفانه تاریخ چندان به وی روی موافق نشان نداده است. همراهی این دو گرایش، طی مدتی بسیار دراز که مصادف است با حیات کشاورز صدر، عملاً ممکن نبود و هنوز هم به دلیل احتراز چپ سنتی از رفتن به راه سوسیال دمکراسی، محتمل نمینماید. با شکست ملی ها و چپگرایان از اسلامگرایان، کم کم راه برای اینکار باز شد و کشاورز صدر هم در این زمینه فعال ماند، ولی میدانیم که هنوز هم موانع چندین سالۀ این کار که هم برای آزاد کردن ایران و هم ساختن آینده اش بسیار مهم است، به طور کامل از سر راه برداشته نشده است.

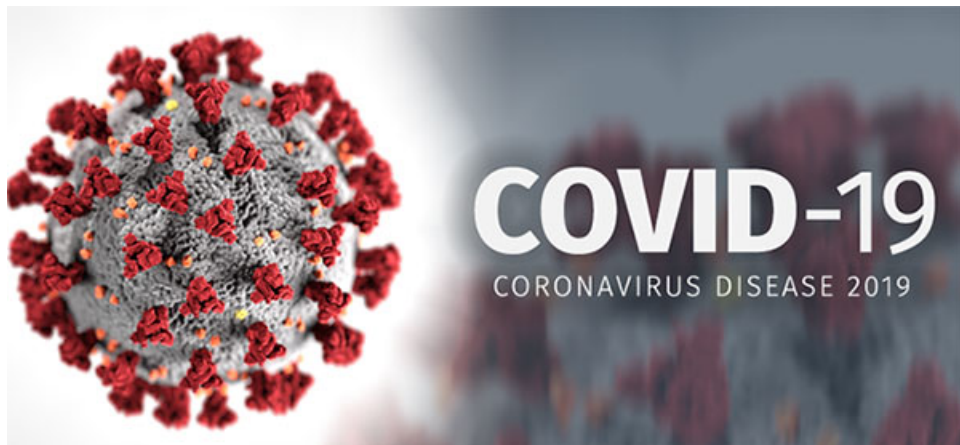
امروز که خودش دیگر نیست، فقط میتوان امید داشت که راهی که بدان رفت، بی رهرو نماند. هرچند کسانی که در موقعیت گام نهادن بر این راه باریک هستند، بسیار کم شمارند، ولی شاید باد موافقی که تاریخ از او دریغ کرد، بالاخره به بادبان اینها بوزد.

رامین کامران

۷ مارس ۲۰۲۰، ۱۷ اسفند ۱۳۹۸

برگرفته از سایت [iranliberal.com](http://iranliberal.com)

# منشاء کورونا وایروس کجاست؟



علیه اپیدمی جهانی بیماری، اکولوژی

سونیا شاه \*Sonia Shah

ترجمه بهروز عارفی

حتی در قرن بیست و یکم، چینی ها درمان های قدیمی را بهترین وسیله مبارزه با اپیدمی بیماری کورونا وایروس می دانند. صدها هزار نفر از محدودیت رفت و آمد رنج می برند. آیا زمان آن نرسیده است که بپرسیم چرا این چنین همه گیری های سراسری با شتابی هرچه بیشتر از پی هم می آیند؟

آیا منشاء کورونا وایروس، مورچه خوار پولک دار (پانگولین) است یا خُفاش؟ شاید هم یک مار، همان طوری که زمانی شایع شد و سپس تکذیبش کردند؟ معلوم نیست که کدام حیوان وحشی را به عنوان مقصر اصلی و منشاء این کورونا وایروس خواهند شناخت، ویروسی که رسماً نام کوید-19 بر آن نهاده اند و چندصد میلیون نفر در دام آن گرفتار شده و یا در قرنطینه قرار گرفته و یا در پشت کمر بند های بهداشتی در چین و کشورهای دیگر سنگر گرفته اند. اگرچه حل این راز امری حیاتی است، اما چنین گمانه زنی هایی مانع از این است که دریا بیم آسیب پذیری فزاینده ی ما در مقابل همه گیری بیماری، ریشه ای بسیار ژرف تر دارد، یعنی ریشه در نابودی شتابنده محل زیست.

از سال 1940، صدها میکروب بیماری زا (پاتوژن) در منطقه های ظهور کرده یا تجدید حیات یافته اند که پیش از آن هرگز مشاهده نشده بودند. مثلاً ویروس ایدز (نقص ایمنی انسانی HIV)، اِـبـولا

Ebola در آفریقای باختری یا زیکا Zika در قاره امریکا. اکثریت ( قریب به 60 درصد) آن ها منشاء حیوانی دارند. منشاء برخی، حیوانات خانگی یا پرورشی است، اما منبع بیش از دو سوم آن ها حیوانات وحشی است.

حیوانات وحشی تقصیری ندارند. به رغم انتشار مقاله هائی که تلاش دارند به کمک عکس ها جانوران وحشی را نقطه عزیمت اپیدمی های ویرانگر نشان دهند (1)، نادرست است فکر کنیم که این حیوانات پُر از عوامل بیماری زای مرگبار برای مبتلا کردن ما هستند. در واقع، بخش عمده ای از این میکرب ها در کالبد این حیوان ها زندگی می کنند بدون این که آسیبی به آن ها برسانند. مسئله جای دیگری است: با جنگل زدائی، شهرسازی و صنعتی شدن لگام گسیخته، ما امکان کافی به این میکرب ها داده ایم تا به بدن انسان رسیده و با آن سازگار شوند.

نابودی محیط زیست نسل شماری از جانوران را به انقراض تهدید می کند (2)، از آن جمله اند گیاهان طبی و جانورانی که فهرست های داروئی همواره بر آن ها تکیه داشته است. جانورانی که از مهلکه جان سالم بدر می برند، چاره دیگری ندارند جز این که به فضاهای کوچکی روی آورند که ساخت و سازهای دست انسان برای زیست شان باقی گذاشته است. در نتیجه، احتمال فزاینده ای وجود دارد که آن ها مرتباً با انسان تماس نزدیک و مکرر داشته باشند و این تماس ها به میکرب ها امکان می دهد تا در کالبد ما وارد شده و در آن جا از عوامل خوش خیم به عوامل کشنده تبدیل شوند.

یکی از نمونه های بارز آن، بیماری ابولا است. بررسی هائی که در سال 2017 صورت گرفته، نشان می دهد که پیدایش این ویروس که منشاء آن چند نوع خفاش بود، در برخی منطقه های آفریقای مرکزی و باختری که قربانی نابودی جنگل ها بودند، بیشتر دیده شده است. هنگامی که جنگل را نابود می کنند، خفاش ها را مجبور می کنند که روی درختان باغچه ها و مزرعه های ما لانه بگذارند. در چنین صورتی، تصور رخدادهای بعدی کار ساده ای است: انسانی با خوردن میوه ای از درخت باغش، که پوشیده است از بزاق خفاش، آن را می بلعد یا با تلاش برای شکار و کُشتن این میهمان ناخوانده خود را در معرض میکرب هائی قرار می دهد که در نسج های حیوان خانه کرده اند. به این ترتیب است که میکرب های متعددی که در بدن خفاش ها وجود دارند ولی در بدن آن ها بی آزارند، امکان می یابند به میان جمعیت های انسانی رسوخ کنند. برای مثال می توان از ابولا و نیز نیپاه Nipah (از

جمله در مالزی و بنگلادش) یا ماربورگ Marburg (مشخصا در آفریقای شرقی) نام برد. این پدیده را "گذار از مرز یک نوع به نوع دیگر" می نامند. تولید مثل این پدیده هر قدر هم کم باشد، باز هم به میکرب های بدن حیوان امکان خواهد داد تا با ارگانیسم بدن ما سازگار شده، به حدی تحول یابند که عاقبت پاتوژن (بیماری زا) گردند.

همین استدلال در مورد بیماری هایی که از طریق نیش پشه ها سرایت می کنند، نیز صادق است، زیرا بین جنگل زدائی و بروز اپیدمی ها، ارتباط وجود دارد (3). البته در این جا بیشتر با دگرگونی میکرب ها روبرو هستیم تا از دست دادن محل زیست. با قطع درختان، لایه های برگ های خشک و ریشه ها نیز از بین می روند. آب و رسوبات آسان تر بر روی این خاک بی برگ و آفتاب زده جاری شده، چاله های آب درست می کنند که برای بازتولید پشه های حامل مالاریا مناسب است. پژوهشی که در 12 کشور انجام شده، نشان می دهد که انواع پشه های حامل عامل های پاتوژن انسانی در ناحیه های بی درخت دو برابر جنگل های دست نخورده است.

#### خطر دامپروری صنعتی

نابودی محل زیست همچنین با تغییر تعداد انواع جانوران کنش نشان می دهد که نتیجه ی آن، افزایش خطر پخش عامل بیماری زاست. مثالی بزنیم: ویروس "نیل غربی" که پرندگان مهاجر به آمریکای شمالی منتقل کرده اند. در پنجاه سال گذشته، در اثر از بین رفتن محل زیست و خرابی های دیگر، موجب شده که جمعیت پرندگان 24 درصد کاهش یابد. (4) اما، آثار این دگرگونی ها بر روی همه نوع های جانوران یکسان نبوده است. پرندگان موسوم به "متخصص" (که خاص یک محل زیست هستند) مثل دارکوب و یلوه بیشتر از پرندگانی که در مکان های مختلف زندگی می کنند، "عمومی" مثل سینه سرخ و کلاغ آسیب دیده اند. اگر پرندگان دسته نخست، ناقلان نامناسبی برای ویروس نیل غربی هستند، برعکس دسته دوم، ناقلان بسیار خوبی هستند. لذا این ویروس در بین پرندگان خانگی منطقه به شدت حضور دارند، بنابر این احتمال فزاینده ای وجود دارد که پشه ای پرندۀ بیماری را نیش بزند و سپس میکرب را با نیش زدن به انسان منتقل کند. (5)

همان پدیده را در مورد بیماری هایی می بینیم که ناقل آن ها کَنَره ها هستند. برنامه توسعه شهری با پیشروی و نابودی تدریجی جنگل ها در آمریکای شمال-شرقی، جانورانی مثل ساریگ [نوعی جانور کیسه

دار] را، که در تنظیم جمعیت کنه ها نقش داشت، از آن مناطق راندند، در نتیجه جانورانی که در این زمینه کمتر موثر بودند، نظیر موش های پنجه سفید و گوزن ها زاد و ولدشان زیاد شد. نتیجه این شد که، بیماری هائی که کنه ها ناقلش هستند، آسان تر سرایت می کنند. در بین این بیماری ها می توان از بیماری لایم Lyme نام برد که در سال 1975 در ایالات متحده برای نخستین بار دیده شد و در جریان بیست سال گذشته، هفت عامل جدید بیماری را که کنه ها ناقلش هستند، شناسائی شده است (6).

فقط نابودی محل زیست حیوانات نیست که خطر ظهور بیماری ها را تشدید می کند، بلکه شکل جایگزینی این محل زیست نیز در این پدیده تاثیر دارد. انسان، برای ارضاء حرص گوشت خواری خود، جنگل های زمینی به وسعت افریقا را یکسره قطع کرده است (7) تا دام گوشتی [برای ارسال به کشتارگاه] پرورش داده و علوفه آن ها را تهیه کند. از میان آنان، برخی راه تجارت غیرقانونی در پیش گرفته، آن ها را در بازارهای حیوانات زنده (WET MARKETS) به فروش می رساند. در این بازارها، حیواناتی که معمولاً در طبیعت مجاورهمدیگر قرار نمی گیرند، در کنار هم قرار داده می شوند و میکرب ها به سادگی می توانند از یک جانور به دیگری انتقال پیدا کنند. این نوع توسعه که در سال 2002-2003 موجب شیوع کروناویروس مسئول اپیدمی سندرم تنفسی شدید sras گردید، شاید منشاء کورونا ویروس ناشناخته ای باشد که امروزه را محاصره کرده است.

تعداد حیوانات درون سیستم دامپروری صنعتی که صدها هزار حیوان را روی هم انباشته اند تا به کشتارگاه اعزام کنند، بسیار بیش از این هاست : این شرایط ایده آل برای دگرگونی میکرب ها به عوامل پاتوژن مرگ زا است. برای مثال، ویروس های انفلوآنزای مرغی، که در بدن پرنده های شکاری آبی منزل گرفته بودند، در مزرعه های در بسته ی مملو از مرغ کشتار کردند. در چنین مراکزی این میکرب ها کُشنده تر و خطرناک تر شدند- روندی که چنان قابل پیش بینی بود که می شد در آزمایشگاه ها تجدید تولیدشان کرد. یکی از انواع این میکرب ها H5N1، قابل انتقال به انسان است که موجب مرگ نیمی از افراد مبتلا گشت. در سال 2014، در آمریکای شمالی مجبور شدند ده ها میلیون مرغ [و دیگر پرنده های خانگی] را برای ریشه کن کردن انتشار یکی دیگر از انواع این یاخته های بنیادی [سلول های سوش] از بین ببرند (8).

کوه های تپاله دام ها، بهترین محیط رشد را در اختیار میکرب های دارای منشاء حیوانی قرار می دهند تا موقعیت های دیگری برای ابتلای

انسان فراهم کنند. چون میزان پس مانده های حیوانی بسیار بیشتر از آنست که با مصرف آن ها به صورت کود، جذب زمین های کشاورزی شوند، در نتیجه آن ها را در گودال های عایق بندی نشده تلنبار می کنند (که پناهگاهی است برای باکتری اشریشیا کولی E Coli). بیش از نیمی از حیواناتی که در دامپروری های در بسته ویژه پرورش گوشت چرب در امریکا نگهداری می شوند ناقل این میکرب اند، اما همچنان در بدن آن ها بی ضررباقی می مانند (9). برعکس نزد انسان، میکرب ای کولی E.vcoli، موجب بروز اسهالی خونی و تب می گردد که ممکنست به نارسائی های کلیوی حاد منجرگردد. و چون، کم اتفاق نمی افتد که مدفوع حیوانی در آب آشامیدنی و مواد غذایی ما نفوذ کند، هر سال، 90 هزار امریکائی مبتلا می شوند.

هرچند که این پدیده دگرگونی (موتاسیون) میکرب های حیوانی به صورت عامل بیماری زای انسانی در حال شتاب گیری است، ولی تازگی ندارد. ظهور آن به دوران نوسنگی می رسد، زمانی که انسان شروع به نابودی محل های زیست وحشی کرد تا زمین کشاورزی ایجاد کرده و حیوانات را برای بارکشی اهلی کند. در مقابل، حیوانات به ما هدیه های مسمومی دادند: انسان ها سرخک و سل را از گاوها گرفتند، سیاه سرفه را از خوک و آنفلوانزا را از اردک ها.

در دوران فتوحات استعماری اروپائیان، این روند همچنان ادامه یافت. در کنگو، استعمارگران با ساختن راه آهن و شهرها امکان دادند تا Lentivirus ویروس های آهسته گستر موجود در بدن میمون ها (ماکاک ها)ی آن منطقه با بدن انسان سازگار شوند. در بنگال، بریتانیائی ها ناحیه های بسیار مرطوب سوندربن ها را به برنج زار تبدیل کردند، و موجب آسیب پذیری اهالی در برابر میکرب های آبی موجود در این آب های شور شدند. بیماری های همه گیری که این روش استعمارگران پدید آورد، هنوز هم مسئله روز است. لانتی ویروس ماکاک به ویروس ایدز تبدیل شد. باکتری های آبی سوندربن که با نام وبا شهرت یافت، تا کنون 7 اپیدمی همه گیر را موجب شده است. تازه ترین اپیدمی از این نوع، در جزیره هائیتی رخ داده است.

خوشبختانه، از آن جا که ما قربانی بی عمل این روند نشدیم، کار زیادی برای کاهش خطر ظهور این میکرب های توانیم انجام دهیم. ما می توانیم از مکان های زیست وحشی حفاظت کنیم تا حیوانات میکروب خود را حفظ کرده و به ما منتقل نکنند. همان طور که جنبش One Health در این راه تلاش می کند. (10)

ما همچنین می‌توانیم اقداماتی برای مراقبت دقیق از محیط‌هایی که میکرب‌های جانوران امکان بسیاری برای تغییر و دگرگونی به عوامل پاتوژن انسانی را دارند، انجام دهیم. این کار را می‌توانیم با از بین بردن میکرب‌هایی که آمادگی سازگاری با ارگانیسم انسان را نشان می‌دهند، پیش از آن که اپیدمی به راه اندازند، انجام دهیم. این درست کاری است که پژوهشگران برنامه Predict به عهده دارند که آژانس آمریکا برای توسعه بین‌المللی Usaid اعتبارش را تامین می‌کرد. این پژوهشگران تا کنون بیش از نهمصد ویروس جدید را که به گسترش دخالت‌های انسان در کره زمین ارتباط مستقیم دارد شناسائی کرده‌اند، از آن جمله است سوش‌های کورونا ویروس که قابل مقایسه با سویه\*\* [سوش] های SRAS است که هنوز ناشناخته مانده بود. (11)

امروز، همه‌گیری اپیدمی جدیدی ما را تهدید می‌کند که علت آن فقط کوید-19 نیست. در ایالات متحده تلاش‌های دولت ترامپ در آزادگذاشتن دست صنایع معدن و استخراج و مجموعه صنایع از هر آئین نامه ای زیست بوم ما را بدتر و ناگزیر انتقال میکرب از حیوان به انسان را تقویت خواهد کرد. در عین حال، دولت آمریکا امکانات ما را برای شناسائی میکرب آینده، پیش از آن که به اپیدمی تبدیل شود، از بین می‌برد. از جمله در اکتبر 2019، دولت ترامپ تصمیم گرفت به فعالیت برنامه پردیکت پایان دهد. سرانجام، در اوایل فوریه 2020، این دولت اعلام کرد که قصد دارد کمک مالی به بودجه سازمان جهانی بهداشت را به میزان 53 درصد کاهش دهد.

همان طوری که لاری بریانی Larry Brilliant، اپیدمیولوگ بیان کرده، «پیدایش میکرب‌ها [ی جدید] اجتناب‌ناپذیر است، ولی نه اپیدمی‌ها». باوجود این، ما از اپیدمی‌های یادشده در امان خواهیم بود به شرطی که با اراده سیاست‌هایی را که موجب اختلال در وضع طبیعت و زندگی جانوران شده، تغییر دهیم.

---

لوموند دیپلماتیک، مارس 2020.

\* روزنامه نگار، نویسنده کتاب های Tracking : Pandelic  
Contagions. From Cholera to Ebola and Geyond, Sarah Crichton  
Books, New York, 2016

The next Great Migration : The Beauty and Terror of Life on the Move. Bloomsbury Publishing, London  
منتشر شده. متن حاضر در نشریه The Nation منتشر شده است.

**\*\* سویه یا سوش :** «سویه میکربی ست که میکرب های دیگر از آن پدید آمده باشند» (صادق هدایت).

Cellule de souche, (به انگلیسی Stem cell) را به فارسی سلول های بنیادی یا یاخته بنیادی ترجمه کرده اند. سلول هایی با توانایی تقسیم بالا هستند که هنوز تقسیم نشده اند.

پاورقی ها :

Kai Kupferschmidt, « This bat species may be the source of – 1 the Ebola epidemic that killed more than 11000 people in West Africa ». Science Magazine, Washington, DC- Cambridge, january .24th, 2019

Jonathan Watts, « Habitat loss threatens all our future, – 2 .world leaders warned », The Gardian, Kondon, Nov. 29th, 2018

Katarina Zimmer, « Deforestation tied to changes in disease – 3 .dynamics », The Scientist, New York, 29 janvier 2019

Carl Zimmer, « Birds are vanishing from North America », – 4 .The New York Times, 19 septembre 2019

BirdLife International, « Diversity of birds buffer – 5 against West Nile virus », ScienceDaily, 6 mars 2009, [www.sciencedaily.com](http://www.sciencedaily.com)

Lyme and other tickborne diseases increasing », Centers for » – 6 Disease Control and Prevention, 22 avril 2019, [www.cdc.gov](http://www.cdc.gov)

George Monbiot, « There's a population crisis all right. But – 7 .probably not the one you think », The Guardian, 19 novembre 2015

What you get when you mix chickens, China and climate » – 8 change », The New York Times, 5 février 2016. En France, la grippe aviaire a touché les élevages durant l'hiver 2015-2016

et le ministère de l'agriculture estime qu'un risque existe  
.cet hiver pour les volatiles en provenance de Pologne

Cristina Venegas-Vargas et al., « Factors associated with – 9  
Shiga toxin-producing *Escherichia coli* shedding by dairy and  
beef cattle », *Applied and Environmental Microbiology*,  
.vol. 82, n° 16, Washington, DC, août 2016

10 - همان جا .

What we've found », One Health Institute, » - 11  
<https://ohi.sf.ucdavis.edu>

# نامه به نخست وزیر سوئد ، استفان لوفون ، در کمک رسانی به ایران برای مقابله با بیماری کرونا



احتراما

همانگونه که مطلع هستید شیوع ویروس کرونا در جهان رو به گسترش  
است. طبق نظر کارشناسان برای مهار آن راهی نیست جز همکاری همه

صاحبان قدرت و البته مردم انسان دوست جهان.

متأسفانه ایران یکی از کشورهایی است که این ویروس خیلی زود و با سرعت در آن گسترش یافته است. مردم ایران به دلیل تماس گسترده با سایر نقاط جهان، هم خود روزمره به این ویروس مبتلا می شوند و هم ناخواسته باعث انتقال آن به سایر کشورها می گردند.

تحریم ایران و ناکارآمدی دولتمردان آن، مردم بی دفاع ایران را با امکانات بسیار محدود در معرض بروز یک فاجعه انسانی قرار داده است. لطفا فراموش نفرمائید که ایزوله کردن ایران، به دامنه بحران می افزاید و در این میان مردم هستند که قربانی می شوند.

اتحادیه سراسری ایرانیان مقیم سوئد با پرهیز از اختلافات سیاسی و بر مبنای منشور جهانی حقوق بشر از شما، به عنوان نماینده مردم انسان دوست سوئد انتظار دارد، در این شرایط حساس در حمایت از مردم ایران بکوشید و با ارسال کمک های مادی و معنوی، مثل تماس های کارشناسی، ارائه وسائل ضروری پزشکی از شیوع این بیماری جلوگیری نمائید.

خرسند می شویم جامعه ایرانیان مقیم سوئد را از اقدامات خود مطلع نمائید.

با پیام های دوستانه

هیئت مدیره اتحادیه سراسری ایرانیان مقیم سوئد

3 مارس 2020

---

نامه سرگشاده به جناب آقای

# تدروس آدها نوم رئیس سازمان بهداشت جهانی

از سوی فوروم دمکراتیک شهر ماینس

بهروز اسدی

ماینس 11.03.2020

خدمت جناب آقای دکتر تدروس آدها نوم، رئیس سازمان بهداشت جهانی

بدنبال نامه سرگشاده ای که در تاریخ 05.03.2020 از سوی ما خدمت آقای دکتر هانس هنری کلوگه ارسال گردید، شواهد نشان دادند که نگرانی ما حقیقت داشت. ما بعنوان ایرانیان سپاسگزاریم که سازمان بهداشت جهانی وضعیت ایران و همچنین سایر کشورها را با جدیت تمام دنبال می نماید و اوضاع را جدی گرفته است.

متأسفانه وضعیت ایران را نمی توان تنها با پیشگیری های علمی و پزشکی یاری رسانید زیرا که دخالت های سیاسی و خرافات در این امر وضعیتی فاجعه بار را به وجود آورده است.

رژیم ایران می خواهد همه چیز را از کانال خودش به جریان بیا نندازد و حتی در امور پزشکی دخالت کند. آنها برخی از مکان های مقدس را مانند جمکران هنوز هم باز گذاشته اند در حالیکه این مسئله مغایر با تصمیمات و اقدامات مقابله با وضعیت کنونی است.

مردم در ایران بسیار نگرانند و اطلاعاتی که بدست ما میرسد بیان از نا امنی و ترس می باشد. دولت و سیاستمداران ایران در سیستم مراقبتی و پدافند پزشکی دخالت نموده و اقدامات اصلاحی و رویکردهای پیشگیری درست را پیگیری نمی نمایند. عدم وجود اطلاعات درست و آمار غلط از درگذشتگان و مبتلایان بخشی از سیاست های رژیم ایران گشته است. تدابیر انتخاب شده در امر پیشگیری های پزشکی بروشنی نشان می دهند که پرسنل پزشکی ایران شدیداً تحت فشار قرار دارند و این فشارها باعث دلنگرانی پرسنل می گردد. شگفت آور است که روزانه ده هانفر از پرسنل پزشکی زیر این فشار های مداوم و در اثر مبتلا به ویروس کرونا جان خویش را از دست می دهند. این مسئله در منافات

با هدف های پرسنل پزشکی است. اجازه ندهید که سیاست های نمایشی رژیم ایران شما را فریب دهد. مشکل بزرگ ایران اکنون در میان مردم و در رابطه با پیشگیری ها و نیاز های پزشکی است. رژیم ایران اوضاع را در کنترل خویش ندارد و از واقعیت های کنونی و انسانهایی که مبتلا گشته اند فرسنگها فاصله دارد. این مسئله را می توان بطور وضوح در تعداد درگذشتگان و گسترش وحشتناک ویروس و مبتلایان دید.

از این روی و بدین وسیله از جنابعالی تقاضا داریم به این مسئله بطور فعال برخورد نمایید و از پرسنل پزشکی بیمارستان ها مستقیما پشتیبانی کنید. زیرا کمک از طریق دولت ایران تا به حال جواب گوی کادر پزشکی در ایران نبوده است. تحویل مواد و ابزارهای پزشکی که به ایران فرستاده می شوند، میبایست کاملا علنی و شفاف به اطلاع مردم برسند. از این روی باید سازو کارهایی یافت که بتوان توسط آن مستقیما به مردم کمک نمود و از شیوع و گسترش بیشتر ویروس کرونا جلوگیری نمود.

ما از شما تقاضا داریم برای آزادی هزاران زندانی سیاسی که در حال حاضر جانیشان در معرض خطر قرار گرفته و تهدید به مرگ می باشند، حرکت و عمل نمایید. این وظیفه انسانی و بشردوستانه جامعه جهانی است که در کنار مردم ایران قرار گیرد. ما همچنین خواهان این هستیم که کادر پزشکی و تدارکات در امور خدمات بهداشتی که در خط مستقیم جبهه علیه این ویروس مرگبار قرار گرفته اند، از سوی سازمان جهانی بهداشت پشتیبانی شود.

با احترام فراوان

**از سوی فوروم دمکراتیک شهر ما ینس**

**بهروز اسدی**

**i.A. Behrouz Asadi**

**Demokratische Forum der Iraner**

**C/O Initiativausschuss für Migrationspolitik in RLP**

**Albert-Schweitzer-Str 113-115 in 55128 Mainz**

# ایران باید برای حفاظت از زندانیان در مقابل ویروس کووید-19 اقدام کند



ایران باید اقدامات بیشتری کرده و برای حفاظت  
از زندانیان در مقابل ویروس کووید ۱۹ شفافتر  
عمل نماید

با افزایش تصاعدی شمار افراد مبتلا به ویروس کرونا (کووید ۱۹) در سراسر ایران، و در میان پنهان‌کاری‌های حکومتی، زندانیانی که در شرایطی خطرناک در زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، و اردوگاه‌های مختلف در کل کشور به سر می‌برند، در معرض خطرات بسیار جدی هستند. در تاریخ ۸ اسفند ماه ۱۳۹۷، بنیاد عبدالرحمن برومند برای حقوق بشر در ایران (بنیاد برومند)، نگرانی خود را در خصوص شلوغی بیش از حد زندان‌ها و فقدان تدابیر لازم جهت حفاظت از سلامتی زندانیان، ابراز داشت. (نگاه کنید به خبرنامه). ما از اقداماتی که از آن تاریخ تا به امروز توسط دستگاه قضایی و سازمان زندان‌ها جهت جلوگیری از شیوع این ویروس به عمل آمده استقبال می‌کنیم، اگرچه به لحاظ فقدان شفافیت، مشکل بتوان گستره و میزان تاثیرگذاری آن را ارزیابی کرد. بنیاد برومند نگرانی خود را نسبت به گزارش‌هایی که از شیوع بیماری در چند زندان حکایت دارد و مقدمه‌ای است بر یک بحران سلامتی برای زندانیان و کارکنان زندان‌ها، ابراز می‌دارد.

از تناقضاتی که حتی بین آمارهای رسمی وجود دارد می‌شود فهمید که گستره و حجم واقعی بحران هنوز ناشناخته است. تا ۱۵ اسفند ماه، آمار رسمی وزارت بهداشت حاکی از ۳۵۱۳ مورد ابتلا و ۱۰۸ مورد مرگ در سراسر کشور است. [۱] اما در پایان روز ۱۴ اسفند، آمار گردآوری شده توسط دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران نشان می‌دهد که دست کم ۱۲۶ تن درگذشته‌اند، بدون احتساب استان‌های تهران و گیلان که به نظر می‌رسد بیش از دیگر نقاط به ویروس کرونا گرفتار شده‌اند. [۲] اظهارات متناقض و دائماً متغیر مقامات نیز این شبهه را ایجاد می‌کند که اقدامات حکومت، در جهت اولویت بخشی به ضرورت‌های بهداشت عمومی نیست. در یک مصاحبه تلویزیونی در تاریخ ۵ اسفند ماه، مینو محرز، عضو کمیته ملی بیماری‌های عفونی وزارت بهداشت، اظهار داشت که شهرستان قم (مرکز مهم مذهبی و کانون اولیه بیماری) باید قرنطینه شود، اما چند روز بعد اعلام کرد که قرنطینه راه حل نیست چرا که به اقتصاد محلی لطمه زده و باعث میلیاردها تومان خسارت می‌گردد. [۳]

مقامات، تدابیری چند جهت بهبود وضعیت ظرفیت زندان‌ها اتخاذ کرده‌اند. در تاریخ ۸ اسفند ماه، رئیس قوه قضاییه ایران بخشنامه‌ای صادر کرد که به موجب آن برخی زندانیان، از جمله زندانیانی که به حبس محکوم شده و واجد شرایط مرخصی هستند، و نیز زندانیانی که به لحاظ عدم پرداخت دیون و دیه و دیگر جرائم مالی به حبس محکوم شده‌اند، می‌توانند تا ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ به مرخصی بروند. برخی از زندانیان واجد شرایط رفتن به مرخصی نیستند، به عنوان مثال، محکومین جرایم سرقت‌های مسلحانه، سارقین دارای محکومیت بیش از پنج سال و محکومین به سرقت دارای بیش از یک فقره محکومیت مشابه، متهمین به جاسوسی، مجرمینی که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به حبس بیش از پنج سال محکوم شده‌اند، و محکومین به اعدام. [۴] در تاریخ ۱۰ اسفند ماه، بخشنامه دیگری صادر شد که دیگر اقدامات ضروری جهت پیشگیری از شیوع ویروس به زندان‌ها تا پایان فروردین ماه در آن قید شده بود، از جمله اجتناب از صدور قرارهای تامین منجر به بازداشت و خودداری از معرفی افرادی که آراء محکومیتشان قطعی یافته و با قرار تامین آزاد هستند، «بجز در موارد ضروری». [۵] واژه «ضروری» در این بخشنامه تعریف نشده است. در یک نشست خبری در تاریخ ۱۳ اسفند ماه، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه، اعلام کرد ۵۴۰۰۰ زندانی به مرخصی رفته‌اند و ورودی زندان‌ها ۳۵ درصد کاهش داشته است. [۶]

اگر چه منابع مطلع به بنیاد برومند گفته‌اند که تعداد زیادی زندانی در زندان‌های ارومیه و شیراز آزاد شده‌اند، با توجه به رویه حاکم بر دستگاه قضایی مبنی بر عدم شفافیت و عدم ارائه دسترسی به آمار و زندان‌ها، به سختی می‌توان ادعای مقامات قضایی مبنی بر آزادی هزاران زندانی را راستی آزمایی کرد. بنیاد برومند کماکان نگرانی جدی خود را نسبت به وضعیت زندانیان و شرایط غیربهداشتی زندان‌ها که سلامتی آنان را به خطر می‌اندازد، ابراز می‌دارد.

باید صبر کرد و دید کدامیک از بازداشت‌ها و دستگیری‌ها توسط قوه قضاییه «ضروری» تشخیص داده می‌شود. به عنوان مثال، تنها در سه روز نخست ماه مارس (۱۱، ۱۲، و ۱۳ اسفند ماه) نیروی انتظامی استان قم ۲۸۰ معتاد را دستگیر و به زندان و اردوگاه‌های ذی‌ربط اعزام کرد، یعنی درست در مقطعی که ویروس کرونا در این استان بیداد می‌کرد. [۷]

افرادی که آزادی آنها تهدیدی برای جامعه محسوب نمی‌شود باید به مرخصی بروند. منابع بنیاد برومند حکایت از آن دارند که بسیاری از زندانیان واجد شرایط استفاده از مرخصی، کماکان در بازداشت هستند. مروان کرکوک، زندانی سیاسی کرد، که تنها یک ماه از محکومیت هفت سال و نیمه‌اش باقی مانده، همچنان در زندان رجایی شهر در حبس به سر می‌برد. [۸] طبق گزارشات واصله، یک گروه بیست نفره زندانی که در ارتباط به اعتراضات آبان ماه دستگیر شده و سه تن از آنان حکم اعدام گرفته‌اند، پس از آن که آزمایش کرونا یکی از آنها مثبت اعلام شد، به یکی از بازداشتگاه‌های تهران بزرگ منتقل شدند. [۹] مادر یکی از زندانیان محبوس در زندان قزل حصار کرج که به اتهام ارتکاب جرایم مواد مخدر در حبس به سر می‌برد، به بنیاد برومند گفت از پسرش خواسته شده در ازای هر یک سال باقی مانده از حبسش، صد میلیون تومان وثیقه بسپارد تا بتواند به مرخصی برود، رقمی که از عهده این خانواده خارج است. [۱۰]

همان گونه که دفتر منطقه‌ای سازمان بهداشت جهانی در شرق مدیترانه خاطر نشان ساخته، علیرغم برخی پیشرفت‌های مثبت در مبارزه ایران با بحران ویروس کرونا، «هنوز کارهای زیادی باید انجام شود، به خصوص در زمینه گردآوری [و] تحلیل آمار». [۱۱]

وقتی ایران با چنین بحرانی مواجه است، مقامات این کشور باید تذکرات متخصصان علم پزشکی را جدی بگیرند، در خصوص تدابیری که به منظور حفاظت از سلامتی زندانیان اتخاذ شده شفاف عمل کنند، و مجدانه به معضل شلوغی بیش از حد زندان‌ها و عدم رعایت بهداشت عمومی در این مکان‌ها بپردازند.

یادداشت ها :

IRNA, March 4, 2020 [۱]

(<https://www.irna.ir/photo/83693429/>)

[۲] IRNA, March 4, 2020 (<https://www.irna.ir/news/83702253>)

[[۳] ویدیو موجود در کانال تلگرامی "Physicians News Channel" مورخ ۹ اسفند ماه ۱۳۹۸ (<https://t.me/irmed/15173>)).

[[۴] دیگر زندانیانی که واجد شرایط نیستند عبارتند از مرتکبین آدمربایی در صورت عدم گذشت شاکی؛ مرتکبین اسیدپاشی؛ مجرمینی که به اتهام قاچاق، خرید و فروش بیش از دو قبضه اسلحه محکوم شده‌اند؛ محکومین جرایم حدی؛ و محکومین کلاهبرداری کثیرالشاکی. (<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3712>)

[۵] <https://www.iranrights.org/fa/library/document/3713>

[۶] ISNA, March 3, 2020

(<https://www.isna.ir/news/98121310173/>)

[۷] ISNA, March 4, 2020

(<https://www.isna.ir/news/96041407477>)

[[۸] مصاحبه بنیاد برومند با فردی مطلع از پرونده کرکوک، ۱۴ اسفند ماه ۱۳۹۸.

HRANA, March 2, 2020 [۹]

(<https://www.hra-news.org/?p=234000>)

[[۱۰] مصاحبه بنیاد برومند، ۱۳ اسفند ماه ۱۳۹۸.

[۱۱] حساب تویتر دفتر منطقه‌ای سازمان بهداشت جهانی در شرق مدیترانه ، ۱۵ اسفند ماه ۱۳۹۸ ،

(<https://twitter.com/WHOEMR0/status/1235665316077875200>) .

زندان یزد. این عکس متعلق به [میکروفون نیوز](#)

**ایران باید برای محافظت از زندانیان در برابر  
ویروس مرگبار کرونا  
اقدام فوری کند**



#### یادداشت‌ها:

- [۱] بهانیه دفتر روابط عمومی وزارت بهداشت  
<https://www.irna.ir/news/83691964>
- [۲] [ این تحقیق که تعداد موارد موجود در ایران را ۱۸۰۰۰ نفر تخمین می‌زند مورد داوری تخصصی قرار نگرفته و توسط medRxiv ( موسسه ناشر آزمایشگاه Cold Spring Harbor (CSHL) موسسه تحقیقاتی و آموزشی غیرانتفاعی دانشگاه ییل) و BMJ (موسسه انگلیسی تهیه‌کننده مقالات و اطلاعات پزشکی و بهداشتی) منتشر شده است.
- [۳] نیویورک تایمز، ۲ اسفند ۱۳۹۸  
<https://www.nytimes.com/2020/02/21/world/asia/china-coronavirus-iran.html>
- [۴]  
<https://www.iranrights.org/fa/library/document/2988>
- [۵] گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، نسخه اولیه/ نهایی نشده ۱۵ اسفند ۱۳۹۶  
<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3354>
- [۶] [ گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، نسخه اولیه/ نهایی نشده ۳۰ دی ۱۳۹۸  
<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3708>
- [۷] گزارش گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، نسخه اولیه/ نهایی نشده ۳۰ دی ۱۳۹۸ : بندهای ۶۰-۶۱ (۸) نگاه کنید به فیلم «محبت‌های یک زندانی مصرف‌کننده مواد مخدر»  
<https://www.youtube.com/watch?v=d8l2XUJu0rk>
- [۹] [ در اکتبر سال ۲۰۱۸، علی بختیار، نماینده مجلس، اظهار داشت که جمعیت زندان‌ها تنها در چهار ماه گذشته دو برابر شده است، در حالی‌که معاون دیگری اظهار داشت که تعداد زندان‌ها کشور چهار برابر ظرفیت زندان‌هاست. بهمن طاهرخانی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، اظهار داشت که ازدحام جمعیت در زندان‌ها منجر به عدم نظارت کافی شده و به افزایش درگیری‌ها و شیوع مواد مخدر در زندان‌ها انجامیده است.
- [۱۰] خبرگزاری مهر، ۱۴ مرداد ۱۳۹۸  
<https://www.mehrnews.com/news/4685750>
- [۱۱] خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا، ۲۱ آبان ۱۳۹۸  
<https://www.isna.ir/news/98082113382>
- [۱۲] [ مصاحبه بنیاد برومند، ۵ آذر ۱۳۹۸. همچنین گزارش سازمان عفو بین‌الملل، ۲۵ آذر ۱۳۹۸  
<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2019/12/iran-thousands-arbitrarily-detained-and-at-risk-of-torture-in-chilling-post-protest-crackdown/>
- [۱۳] بنیاد برومند گزارش‌هایی در مورد ۶۲۲۵ بازداشتی در رابطه با فعالیت اعتراضی در آبان ۱۳۹۸، که آخرین بار در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۸ به روز شده، جمع‌آوری کرده است. گزارش‌ها در خصوص ۳۱۴۸ مورد از این بازداشت‌ها از منابع رسمی و نیمه‌رسمی گرفته شده؛ و بنیاد برومند توانسته درباره ۳۳۰ فرد بازداشتی از جمله ۳۹ زن از منابع غیررسمی نام و جزئیات بیشتری جمع‌آوری کند. طبق این گزارش‌ها، ۱۰۱۸ فرد زیر سن قانونی در بین دستگیرشدگان وجود دارند. بیشتر این دستگیری‌ها در ماه‌های آبان و آذر صورت گرفته است، هرچند از آن زمان تاکنون دستگیری‌ها ادامه داشته است. تعیین وثیقه بالا در پرونده‌های این معتزضان دستگیر شده، که پرداختش اغلب فراتر از توانایی خانواده‌هاست، مانع برای آزادی آنهاست؛ به گفته یکی از منابع بنیاد برومند بازداشت‌شدگان در زندان مرکزی سمنان با وثیقه متوسط ۲۰۰ میلیون تومان آزاد شده‌اند (حدود ۱۳۰۰۰ دلار). در مواردی وکلا به بنیاد برومند اطلاع دادند که در شیراز برای افراد زیر سن قانونی که در جریان این اعتراضات دستگیر شده‌اند وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی (حدود ۳۲۰۰۰ دلار) تعیین شده است.
- [۱۴] در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۹۸، مدیرعامل ستاد دیه کشور خبر از آزادی ۳۳۱۸ نفر از چینی زندانیانی و به لطف کمک‌های خبریه و وجوه دولتی در نیمه اول سال ۱۳۹۸ داد. به گفته وی، شمار زندان‌ها آزاد شده با کمک خبریه در سال گذشته ۱۰ هزار نفر بوده است. طبق قانون ایران، افراد می‌توانند به دلیل عدم پرداخت مهریه، دیه فوتی و یا جرحی بدون اینکه به طور عمدی مرتکب عمل مجرمانه شوند، زندانی شوند.
- [۱۵] به بند ۶۰ گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مورخ ۸ بهمن ۱۳۹۸ مراجعه کنید. همچنین به گزارش گزارشگر ویژه در مورد حق بهره‌مندی از عالیترین استاندارد قابل حصول سلامت، بند ۲۶ (۲۹ مرداد ۱۳۸۹)
- [۱۶] «شلوغی زندان به مشکلاتی از قبیل: اسکان پرازدحام و غیر بهداشتی، عدم حفظ حریم شخصی بطور مداوم (حتی هنگام انجام کارهای ساده مانند استفاده از سرویس بهداشتی)، کاهش فعالیت خارج از سلول [۰] کاهش کیفیت خدمات مراقبتی بهداشتی، افزایش تنش و... خشونت بین زندان‌ها و بین زندانیان و کارمندان مرانجامد. به گزارش سازمان بین‌المللی اصلاحات کیفری در خصوص نگرانی نهادهای حقوق بشری از شلوغی زندان‌ها و دستورالعمل‌های مربوطه مراجعه کنید:
- <https://www.penalreform.org/blog/growing-concern-for-prison-overcrowding-among-human-rights>
- [۱۷]  
<https://www.penalreform.org/resource/standard-minimum-rules-treatment-prisoners-smr/>  
<https://www.iranrights.org/fa/library/document/911/standard-minimum-rules-for-the-treatment-of-prisoners>
- [۱۸] [ ایران وایر، ۶ اسفند ۱۳۹۸.  
<https://iranwire.com/fa/features/6741>
- یکی از زندانیان کرج از نقل و انتقالات ناگهانی و بدون توضیح خبر می‌دهد، در حالی که یک کارمند سابق زندان گزارش می‌دهد که بند زندانیان سیاسی، که در مجاورت مرکز پزشکی است، تخلیه شده است، و احتمالاً قرار است به عنوان قرنطینه مورد استفاده قرار گیرد. انوشه آشوری، همسر زندانی دولتی ایرانی-انگلیسی، گزارش داد که همسرش به وی گفته در بند ۴ زندان اوین که وی در آنجا نگهداری می‌شود ویروس کرونا وجود دارد. همچنین ایران وایر گزارش‌هایی دریافت کرده مبنی بر اینکه یک زندانی ۵۴ ساله به نام مصطفی اشکیوس در اثر ابتلا به کرونا در زندان فشافویه درگذشته است
- [۱۹] هرانا ۶ اسفند ۱۳۹۸  
<https://www.hra-news.org/2020/hranews/a-23972/>
- [۲۰] [ ایلنا ۷ اسفند ۱۳۹۸  
<https://cutt.ly/zr8vQov>
- [۲۱] کانال تلگرامی وحید آنلاین  
[۲۲]  
<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3708>
- [۲۳] [ نزدیک به ۲۰۰ عمل حکم اعدام دارد  
<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3591>  
[https://www.amnestyusa.org/files/flawed\\_reforms\\_-\\_irans\\_new\\_code\\_of\\_criminal\\_procedure.pdf](https://www.amnestyusa.org/files/flawed_reforms_-_irans_new_code_of_criminal_procedure.pdf)  
<https://www.hrw.org/report/2012/08/28/codifying-repression/assessment-irans-new-penal-code>
- [۲۴]  
<https://www.isna.ir/news/9702211444>
- [۲۵] [ هشت نفر از امضاکنندگان نامه‌ای سرگشاده خواستار استعفا آیت‌الله خامنه‌ای به جرم «ایجاد یک گروه غیرقانونی و تبلیغات علیه دولت» از ۶ تا ۲۴ سال به حبس محکوم شدند. آنها همچنان در انتظار مجازات خود به اتهام «توهین به مقام معظم رهبری و بنیانگذار جمهوری اسلامی» هستند. خسرو صادقی بروجنی، جامعه شناس، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی»، «تبلیغات علیه دولت» و «توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی» به ۸ سال زندان محکوم شد. آقای بروجنی چندین مقاله در مورد اقتصاد سیاسی ایران نوشته است. گیتا هور که در اعتراضات نوامبر ۲۰۱۹ شرکت داشت به جرم «تجمع و تبانی علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه دولت» به شش سال زندان محکوم شد.
- [۲۶] نرگس محمدی به اتهام «جمع و تبانی علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه دولت» برای فعالیت‌هایش به نمایندگی از لگام، یک سازمان مردمی خواستار لغو مجازات اعدام، به ۱۶ سال زندان محکوم شد.
- [۲۷] بطور مثال پرونده اسماعیل بخشیان و همسرش سیده قلبان را بخوانید:  
<https://www.iranrights.org/fa/library/document/3568>
- [۲۸]  
<https://iranwire.com/fa/features/6720>
- [۲۹] [ خبرگزاری فرانسه، ۷ اسفند ۱۳۹۸  
<https://news.yahoo.com/cyberpolice-virus-hit-iran-arrest-24-over-covid-142622257.html>
- حسن نوروزی، رئیس کمیته امور حقوقی و قضایی مجلس، هشدار داده هرکس «انتشار اخبار دروغین» در مورد ویروس کرونا بپردازد، می‌تواند یک تا سه سال زندان برود یا شلاق بخورد.  
<https://www.borna.news/fa/tiny/news-969947>
- [۳۰] [ صفحه توئیتر نماینده مجلس محمود صادقی، ۶ اسفند ۱۳۹۸  
[https://twitter.com/mah\\_sadeghi/status/1232290661174587392](https://twitter.com/mah_sadeghi/status/1232290661174587392)